

نقش میانجی تنظیم شناختی هیجان در رابطه بین سیستم‌های مغزی رفتاری و رشد پس از سانحه مردان خیانت دیده

مریم فراهینی^۱، احمد منصوری^۲

مقاله پژوهشی

چکیده

زمینه و هدف: رویدادهای آسیب‌زا پیامدهای منفی مختلفی را به دنبال دارند، اما در پاره‌ای از موارد تغییرات روان‌شناختی مثبتی به دنبال این حوادث اتفاق می‌افتد. با وجود این، دانش کمی در مورد چگونگی این تغییرات مثبت وجود دارد. از این رو، پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش میانجی تنظیم شناختی هیجان در رابطه بین سیستم‌های مغزی رفتاری و رشد پس از سانحه مردان خیانت دیده انجام گردید.

مواد و روش‌ها: پژوهش از لحاظ روش گردآوری داده‌ها توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه مورد پژوهش شامل کلیه مردان خیانت دیده شهر نیشابور در سال ۱۳۹۶ بود. نمونه مورد بررسی شامل ۱۰۰ نفر از مردان خیانت دیده مراجعه‌کننده به بهزیستی شهر نیشابور بود که به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. مقیاس سیستم بازداری/فعال‌ساز رفتاری (Behavioral Inhibition System/Behavioral Activation System)، پرسشنامه راهبردهای تنظیم شناختی هیجان (Cognitive Emotion Regulation Questionnaire) و پرسشنامه رشد پس از سانحه (Posttraumatic Growth Inventory) توسط شرکت‌کنندگان تکمیل گردید. داده‌های پژوهش با استفاده از روش همبستگی Pearson و تحلیل رگرسیون تحلیل شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که سیستم فعال‌ساز رفتاری پیش‌بین راهبردهای تنظیم شناختی هیجان سازگار است که به سهم خود پیش‌بین رشد پس از سانحه بود ($p < 0/05$). همچنین، راهبردهای تنظیم شناختی هیجان سازگار میانجی رابطه بین سیستم فعال‌ساز رفتاری و رشد پس از سانحه هستند ($p < 0/05$).

نتیجه‌گیری: نتایج پژوهش حاضر بر اهمیت سیستم‌های مغزی رفتاری و راهبردهای تنظیم شناختی هیجان سازگار در رشد پس از سانحه مردان خیانت دیده تأکید دارد. به علاوه، سیستم فعال‌ساز رفتاری رشد پس از سانحه بیشتری را به واسطه راهبردهای تنظیم شناختی هیجان سازگار به دنبال دارد.

واژه‌های کلیدی: تنظیم هیجان، رشد پس از سانحه، خیانت، سیستم فعال‌ساز و بازداری رفتاری

ارجاع: فراهینی مریم، منصوری احمد. نقش میانجی تنظیم شناختی هیجان در رابطه بین سیستم‌های مغزی رفتاری و رشد پس از سانحه مردان خیانت دیده. مجله تحقیقات علوم رفتاری ۱۳۹۷؛ ۱۶(۳): ۴۰۸-۴۱۸.

پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۱۰/۰۹

دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۰۵/۱۶

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نیشابور، نیشابور، ایران.
۲- استادیار، گروه روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نیشابور، نیشابور، ایران.

نویسنده مسئول: احمد منصوری
Email: mansoury_am@yahoo.com

مقدمه

خیانت (infidelity) به عنوان شکلی از آسیب مطرح شده است که یک طرف آن مرتکبان و طرف دیگر آن قربانیان هستند (۱). تعاریف متفاوتی از خیانت وجود دارد. بر همین اساس تفاوت قابل توجهی در نرخ های شیوع خیانت مشاهده می شود. باوجوداین، شیوع طول عمر آن ۱/۲ تا ۸۵/۵ درصد گزارش شده است. از سوی دیگر تعاریف مورد استفاده پژوهش ها در سه دسته گسترده الف) خیانت به عنوان آمیزش جنسی، ب) خیانت به عنوان فعالیت های جنسی فرا زناشویی و ج) خیانت به عنوان هیجانی طبقه بندی شده است (۲). خیانت پیامدها و آثار نامطلوب مختلفی برای زوج ها (۱، ۳) و فرزندان آن ها (۱) به دنبال دارد. زنان و مردان خیانت دیده مشکلات روان شناختی متعددی از جمله افسردگی، اضطراب (۴)، از دست دادن اعتماد، آسیب به عزت نفس، اختلال در روابط دیگر و پیامدهای مالی و مشکلات هیجانی (۵) را تجربه می کنند. Shackelford و همکاران دریافتند که افراد واکنش های هیجانی متفاوتی از جمله شوکه شدن، تنفر، خصومت/انتقام جویی، احساس تقصیر، خستگی، افسردگی، اضطراب، درماندگی، قتل و خودکشی، شادی و بخشش را نسبت به خیانت های جنسی و هیجانی تجربه می کنند. آن ها دریافتند که مردان نمره های بالاتری در قتل/خودکشی کسب می کنند، در حالی که زنان نمرات بالاتری در ناخوشایندی/ناایمنی کسب کردند (۶). در برخی از موارد دیگر ممکن است علائم اختلال استرس پس از سانحه تجربه شود (۷). باوجوداین، برخی از مطالعات تغییرات مثبت غیرمنتظره ای از جمله ایجاد یک رابطه زناشویی بهتر، افزایش جرأت مندی، ارزش بیشتر قائل شدن برای خانواده، مراقبت بهتر از خود و پی بردن به اهمیت ارتباط زناشویی خوب را گزارش کرده اند (۸). باوجوداین، خیانت علل عمده طلاق در ۱۶۰ فرهنگ ذکر شده است (۹).

Heintzelman و همکاران در پژوهشی با عنوان درمان خیانت: تمایز خود، آسیب، بخشش و رشد پس از سانحه در میان زوج هایی که به رابطه ادامه می دهند؛ دریافتند افراد می توانند از آسیب هایی که خیانت به آن ها وارد کرده است، رهایی یابند و همچنین امکان بخشش و حتی رشد شخصی امکان پذیر است (۵). رشد پس از سانحه (posttraumatic growth) به

تغییرات روان شناختی مثبتی اشاره دارد که در نتیجه مبارزه با شرایط بسیار چالش زا یا بحران های عمده زندگی تجربه می شوند (۱۰، ۱۱). در سال های اخیر علاقه زیادی برای بررسی سیستم های عصب زیستی انگیزش، هیجان، شخصیت و آسیب شناسی روانی به وجود آمده است (۱۲)؛ اما می توان نقش این سیستم ها را در سایر جنبه های زندگی انسان از جمله رشد پس از سانحه نیز مورد بررسی قرار داد. ادبیات پژوهش نشان می دهد عوامل متعددی از جمله سبک های دلبستگی (۱۳) و سیستم های مغزی رفتاری با رشد پس از سانحه مرتبط است (۱۴). نظریه حساست تقویت (Reinforcement Sensitivity Theory یا RST) یکی از نظریاتی است که به معرفی سه سیستم عصب زیستی، یعنی سیستم های فعال ساز رفتاری (Behavioral Approach System or BAS)، Behavioral Activation System یا BAS)، بازداری رفتاری (Behavioral Inhibition System یا BIS) و سیستم جنگ-گریز-انجماد (Fight-Flight-Freezing System یا FFFS) می پردازد (۱۵). باوجوداین، در مطالعات انجام شده توجه زیادی به دو سیستم فعال ساز و بازداری رفتاری شده است. سیستم بازداری رفتاری به نشانه های تهدید و تنبیه حساس است، در حالی که سیستم فعال ساز رفتاری به نشانه های پاداش و عدم تنبیه حساس است (۱۵). فعالیت زیاد سیستم بازداری رفتاری با افزایش توجه، برانگیختگی، گوش به زنگی و اضطراب مرتبط است. سیستم بازداری بسیار قوی با اختلال های مرتبط با اضطراب رابطه دارد، در حالی که سیستم بازداری بسیار ضعیف با جامعه ستیزی خفیف مرتبط است. سیستم فعال ساز رفتاری با خوش بینی، لذت و پرخاشگری مرتبط است. سطوح بسیار بالای آن نیز با اختلال های تکانشی، دوقطبی و کمبود توجه/بیش فعالی و جامعه ستیزی ثانویه رابطه دارد (۱۶).

با توجه به آنچه در مطالب فوق ذکر شد، اگرچه رابطه بین سیستم های مغزی رفتاری با اختلال استرس پس از سانحه (۱۷) و رشد پس از سانحه (۵، ۱۴) به خوبی تأیید شده است، اما توجه اندکی به عوامل میانجی این رابطه یا مکانیسم هایی شده است که به واسطه آن سیستم های مغزی رفتاری سبب افزایش رشد پس از سانحه افراد می شوند. یکی از مکانیسم ها یا عواملی که

می‌تواند میانجی این رابطه باشد، راهبردهای تنظیم شناختی هیجان (cognitive emotion regulation strategies) است. راهبردهای تنظیم شناختی هیجان به راهبردهای شناختی هشیار برای مقابله با اطلاعات برانگیزاننده هیجان (۱۸) و بخش شناختی مقابله اشاره دارند. این راهبردها در توانایی افراد جهت مدیریت و تنظیم هیجان‌ها یا احساسات و حفظ کنترل بر هیجان‌ها و یا تحت تأثیر قرار نگرفتن به‌وسیله آن‌ها مهم هستند. بررسی ادبیات پژوهش ۹ راهبرد تنظیم شناختی هیجان متفاوت، یعنی خود سرزنش گری، دیگر سرزنش گری، نشخوار فکری، فاجعه نمایی، ارزیابی مجدد مثبت، تمرکز مجدد مثبت، کم‌اهمیت شماری، پذیرش و برنامه‌ریزی را که به لحاظ مفهومی از یکدیگر متمایزند، نشان می‌دهد (۱۹، ۲۰، ۲۱). اگرچه پژوهشی مختص رابطه بین سیستم‌های مغزی رفتاری با راهبردهای تنظیم شناختی در مردان خیانت دیده مشاهده نگردید، اما مطالعات مختلف نشان داده‌اند بین سیستم‌های مغزی رفتاری با دشواری در تنظیم هیجان دانشجویان (۲۲)، راهبردهای تنظیم شناختی هیجان سازگار و ناسازگار افراد مبتلا به اختلال مصرف مواد محرک (۲۳) و راهبردهای تنظیم شناختی هیجان سازگار نوجوانان (۲۴) رابطه وجود دارد. Li و همکاران نیز نشان دادند که راهبردهای تنظیم شناختی هیجان میانجی رابطه بین سیستم بازدارنده رفتاری و افسردگی هستند (۲۴). سرانجام، بررسی ادبیات پژوهش نشان داد که بین تنظیم هیجان و راهبردهای تنظیم هیجان با رشد پس از سانحه رابطه وجود دارد (۲۵، ۲۶). با توجه به آنچه ذکر شد پژوهش حاضر باهدف بررسی نقش میانجی تنظیم شناختی هیجان در رابطه بین سیستم‌های مغزی رفتاری و رشد پس از سانحه مردان خیانت دیده انجام شد.

مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر جزو پژوهش‌های توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه مردان خیانت دیده شهر نیشابور در سال ۱۳۹۶ بود. نمونه موردبررسی شامل ۱۰۰ نفر از مردان خیانت دیده مراجعه‌کننده به بهزیستی شهر نیشابور بود که به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ملاک‌های ورود

شامل تمایل برای شرکت در پژوهش، مرد بودن، تجربه خیانت جنسی، سن ۲۰ تا ۵۰ سال، متقاضی طلاق یا طلاق گرفته و گذشت حداقل یک ماه از تجربه خیانت بود. ملاک‌های خروج عدم پاسخ کامل به پرسشنامه‌ها بود. ملاحظات اخلاقی شامل رضایت آگاهانه افراد برای شرکت در پژوهش، تأکید بر محرمانه ماندن اطلاعات و اجتناب از آسیب رساندن به آن‌ها بود. داده‌های پژوهش حاضر با استفاده از نرم‌افزارهای آماری SPSS24 و PROCESS و به کمک شاخص‌های آمار توصیفی، همبستگی Pearson و تحلیل رگرسیون تحلیل شدند. ابزارهای پژوهش عبارت بودند از:

پرسشنامه رشد پس از سانحه
(Posttraumatic Growth Inventory یا PTGI): ابزاری ۲۱ ماده‌ای است که توسط Tedeschi و Calhoun برای اندازه‌گیری رشد پس از سانحه طراحی شده است. این پرسشنامه یک ابزار خود سنجی است که بر اساس یک مقیاس شش درجه‌ای در دامنه‌ای از ۰ (هیچ تغییری را تجربه نکرده‌ام) تا ۵ (تغییر خیلی زیادی را تجربه کرده‌ام) نمره گذاری می‌شود. دامنه نمرات بین ۰ تا ۱۰۵ است و نمره بیشتر نشان‌دهنده رشد بیشتر هست. فرم اصلی پرسشنامه متشکل از پنج خرده مقیاس ۱- رابطه با دیگران، ۲- امکانات جدید، ۳- قدرت فردی، ۴- تغییرات معنوی و ۵- ارزش زندگی است. در مطالعه آن‌ها اعتبار آزمون به روش همسانی درونی (آلفای کرونباخ) ۰/۹۰ گزارش شده است. ضریب آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس‌ها بین ۰/۶۷ تا ۰/۸۵ برآورد شده است (۲۷). سیدمحمودی، رحیمی و محمدی جابر اعتبار آزمون را به روش همسانی درونی و بازآزمایی به فاصله یک هفته ۰/۹۲ و ۰/۹۴ گزارش کردند (۲۸). در پژوهش حاضر اعتبار آزمون به روش همسانی درونی ۰/۸۹ بود.

پرسشنامه راهبردهای تنظیم شناختی هیجان
(Cognitive Emotion Regulation Questionnaire یا CERQ): ابزاری ۱۸ ماده‌ای و از نوع لیکرت پنج‌درجه‌ای است که در دامنه‌ای از ۱ (هرگز) تا ۵ (همواره) نمره‌گذاری می‌شود. این پرسشنامه شامل ۹

Activation System یا *BIS/BAS scales*: ابزاری ۲۴ ماده‌ای و از نوع چهاردرجه‌ای است که در دامنه‌ای از ۱ (کاملاً مخالفم) تا ۴ (کاملاً موافقم) نمره‌گذاری می‌شود. همچنین، متشکل از دو خرده مقیاس سیستم فعال‌ساز رفتاری و سیستم بازداری رفتاری است. سیستم فعال‌ساز رفتاری نیز خود دارای سه جنبه پاسخ به سائق، جستجوی شادی و تفریح و پاسخ به پاداش است. اعتبار نسخه اصلی آزمون و خرده مقیاس‌هایش به روش همسانی درونی (آلفای کرونباخ) ۰/۷۶-۰/۶۶ گزارش شده است. اعتبار آزمون به روش بازآزمایی نیز ۰/۵۹-۰/۶۹ بوده است (۳۰). منصوری و همکاران (۲۲) اعتبار آزمون را به روش همسانی درونی برابر ۰/۷۹ گزارش کردند. نتایج تحلیل عاملی تأییدی آن‌ها نیز بیانگر شاخص‌های خوب و رضایت‌بخش (CFI=۰/۹۲، NFI=۰/۸۵، GFI=۰/۹۱ و NNFI=۰/۹۲، IFI=۰/۹۲، RMSEA=۰/۰۶۴) این مقیاس بوده است.

یافته‌ها

میانگین و انحراف معیار سن شرکت‌کنندگان ۳۰/۶۱ و ۶/۱۸ بود. یافته‌های توصیفی مربوط به سایر داده‌های جمعیت شناختی در جدول ۱ ارائه شده است.

خرده مقیاس است که به دو گروه سازگار یا بهنجار (شامل، ارزیابی مجدد مثبت، برنامه‌ریزی، تمرکز مجدد مثبت و پذیرش) و ناسازگار یا نابهنجار (خود سرزنش گری، دیگر سرزنش گری، نشخوار فکری و فاجعه نمایی) تقسیم شده‌اند. اعتبار آزمون به روش همسانی درونی برای خرده مقیاس خود سرزنش گری ۰/۶۷ و برای بقیه خرده مقیاس‌ها ۰/۷۳ تا ۰/۸۱ گزارش شده است. همچنین، این پرسشنامه از روایی قابل قبولی برخوردار است (۲۰). در پژوهش منصوری و همکاران (۲۹) اعتبار نمره کل آزمون و خرده مقیاس‌های آن به ترتیب برابر ۰/۷۲، ۰/۸۸، ۰/۷۸، ۰/۶۳، ۰/۸۴، ۰/۸۱، ۰/۷۴، ۰/۶۶، ۰/۸۳ و ۰/۸۶ بوده است. اعتبار راهبردهای تنظیم شناختی هیجان سازگار و ناسازگار نیز ۰/۸۲ و ۰/۷۴ برآورد شده است. نتایج تحلیل عاملی تأییدی برای ساختار دوعاملی (CFI=۰/۹۶، NFI=۰/۹۴، NNFI=۰/۹۵، IFI=۰/۹۶، RFI=۰/۹۳، GFI=۰/۹۴ و RMSEA=۰/۰۵) و ۹ عاملی (CFI=۰/۹۸، NFI=۰/۹۶، NNFI=۰/۹۷، IFI=۰/۹۸، RFI=۰/۹۴، GFI=۰/۹۶ و RMSEA=۰/۰۴) این پرسشنامه خوب و رضایت‌بخش بوده است (۲۹).

مقیاس سیستم بازداری/فعال‌ساز رفتاری Behavioral Inhibition System/Behavioral

جدول ۱: داده‌های جمعیت شناختی مربوط به شرکت‌کنندگان پژوهش

متغیرهای جمعیت شناختی	فراوانی (درصد)	متغیرهای جمعیت شناختی	فراوانی (درصد)
متاهل	۱۷ (۱۷)	وضعیت اشتغال	۸۵ (۸۵)
وضعیت تأهل	۶ (۶)	بیکار	۱۳ (۱۳)
در شرف طلاق	۶۰ (۶۰)	پایین	۲۰ (۲۰)
طلاق	۱۳ (۱۳)	متوسط به پایین	۲۴ (۲۴)
ابتدایی	۱۲ (۱۲)	متوسط	۴۲ (۴۲)
تحصیلات	۳۱ (۳۱)	متوسط به بالا	۹ (۹)
راهنمایی	۳۲ (۳۲)	بالا	۱ (۱)
دیپلم	۴ (۴)	بیماری روان‌شناختی	۴ (۴)
فوق‌دیپلم	۱۴ (۱۴)	خیر	۹۱ (۹۱)
کارشناسی	۳ (۳)		
کارشناسی ارشد	۱ (۱)		
دکتری			

در جدول ۲ یافته‌های توصیفی (میانگین و انحراف معیار) و ضرایب همبستگی مربوط به متغیرهای پژوهش ارائه شده است (در پیوست ۱ گزارش شده است). نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که بین سیستم‌های مغزی رفتاری با راهبردهای تنظیم شناختی هیجان و رشد پس از سانحه رابطه معنادار وجود دارد ($p < 0.05$). همچنین بین راهبردهای تنظیم شناختی هیجان و رشد پس از سانحه رابطه معنادار وجود دارد ($p < 0.05$). نتایج پژوهش حاضر نشان داد که سیستم فعال‌ساز رفتاری پیش‌بینی کننده رشد پس از سانحه مردان خیانت دیده ($F(1, 98) = 22.98, \beta = 0.19, p < 0.05$) است و روی هم‌رفته ۱۹ درصد واریانس رشد پس از سانحه مردان خیانت دیده را تبیین می‌کند ($p < 0.05$). ضریب اثر مدل فوق برابر با ۰/۶۸ است ($p < 0.05$).

در جدول شماره ۳ و ۴ نتایج مربوط به نقش میانجی راهبردهای تنظیم شناختی هیجان در رابطه بین سیستم‌های مغزی رفتاری و رشد پس از سانحه مردان خیانت دیده ارائه شده است.

در جدول ۳: مدل رگرسیون پیش‌بینی رشد پس از سانحه از طریق سیستم مغزی رفتاری و راهبردهای تنظیم شناختی هیجان سازگار

متغیر	ضریب همبستگی	مجدور ضریب همبستگی	میانگین مجدور خطا	F	df1	df2	P
سیستم فعال‌ساز رفتاری و راهبردهای تنظیم شناختی هیجان سازگار	۰/۵۹	۰/۳۵	۱۲۶/۴۴	۲۶/۶۲	۲	۹۷	۰/۰۰۰۰۱

جدول ۴: مدل رگرسیون پیش‌بینی رشد پس از سانحه از طریق سیستم مغزی رفتاری و راهبردهای تنظیم شناختی هیجان سازگار

متغیر	ضریب اثر	خطای معیار	ارزش t	P
راهبردهای تنظیم شناختی هیجان سازگار	۰/۷۹	۰/۱۵	۴/۹۷	۰/۰۰۰۰۱
سیستم فعال‌ساز رفتاری	۰/۶۵	۰/۲۴	۲/۶۳	۰/۰۰۱

سیستم‌های مغزی رفتاری و رشد پس از سانحه مردان خیانت دیده نقش میانجی دارند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی نقش میانجی تنظیم شناختی هیجان در رابطه بین سیستم‌های مغزی رفتاری و رشد پس از سانحه مردان خیانت دیده بود. نتایج این پژوهش نشان داد که راهبردهای تنظیم شناختی هیجان سازگار میانجی رابطه بین سیستم فعال‌ساز رفتاری و رشد پس از سانحه مردان خیانت دیده است. اگرچه پژوهشی همسو با نتایج پژوهش حاضر مشاهده نگردید، اما نتایج پژوهش حاضر همسو با یافته قبلی (۱۴) نشان داد بین سیستم فعال‌ساز رفتاری و مؤلفه‌های آن با رشد پس از سانحه رابطه وجود دارد. در مقابل، رابطه‌ای بین سیستم بازدار

نتایج جدول ۳ و ۴ نشان می‌دهد که سیستم فعال‌ساز رفتاری و راهبردهای تنظیم شناختی هیجان سازگار پیش‌بینی کننده رشد پس از سانحه هستند ($F(2, 97) = 26.62, \beta = 0.59, p < 0.05$). ضریب اثر سیستم فعال‌ساز رفتاری و راهبردهای تنظیم شناختی هیجان سازگار به ترتیب برابر با ۰/۶۵ و ۰/۷۹ است ($p < 0.05$). اثر غیرمستقیم سیستم فعال‌ساز رفتاری بر رشد پس از سانحه نیز ۰/۱۹۷ هست. جهت بررسی معناداری تغییرات اتفاق افتاده از آزمون سوبل (Sobel test) استفاده گردید. نتایج این آزمون نشان داد که تغییر اتفاق افتاده معنادار هست ($Z = 3.42, p = 0.0006$). از این رو، می‌توان گفت که راهبردهای تنظیم شناختی هیجان سازگار در رابطه بین

آسیب‌زا در ۳ سال گذشته دریافتند که بین سرکوب و ابراز هیجان با رشد پس از سانحه رابطه وجود ندارد، اما بین پردازش هیجانی با رشد پس از سانحه رابطه وجود دارد. آن‌ها همچنین دریافتند که سرکوب، ابراز و پردازش هیجان پیش‌بینی کننده رشد پس از سانحه نبودند. Bhusan و Hussain (۳۱) با بررسی رشد پس از سانحه و استرس پس از سانحه با توجه به نقش میانجی راهبردهای تنظیم شناختی هیجان در میان ۲۲۶ پناهنده تبتی دریافتند که بین راهبردهای تنظیم شناختی هیجان سازگار و ناسازگار پذیرش، خود سرزنش گری، نشخوار فکری، تمرکز مجدد مثبت، کم‌اهمیت شماری، فاجعه‌نمایی و ارزیابی مجدد با رشد پس از سانحه رابطه وجود دارد. باوجوداین، پژوهش‌های فوق به لحاظ جامعه موردبررسی و شدت آسیب تجربه‌شده باهم متفاوت هستند. سرانجام، نتایج پژوهش حاضر نشان داد که سیستم فعال‌ساز رفتاری و راهبردهای تنظیم شناختی بهنجار پیش‌بینی کننده رشد پس از سانحه مردان خیانت دیده است. درمجموع، نتایج فوق بیانگر اهمیت سیستم فعال‌ساز رفتاری و راهبردهای تنظیم شناختی هیجان سازگار در رشد پس از سانحه بعد از رویدادهای آسیب‌زا به‌ویژه در مردان خیانت دیده است.

این پژوهش به‌صورت مقطعی در مورد گروهی از مردان خیانت دیده دارای پرونده در بهزیستی شهر نیشابور انجام شد. ازاین‌رو، مطالعات طولی و همچنین انجام مطالعاتی در مورد سایر گروه‌ها از اهمیت خاصی برخوردار است. محدود بودن ابزارهای این پژوهش به ابزارهای خود گزارشی و عدم استفاده از سایر ابزارها، می‌تواند سبب سوگیری‌های احتمالی در نتایج به‌دست‌آمده شود. با توجه به اینکه یکی از راهبردهای مقابله مردان پس از مواجهه با آسیب‌های عمده زندگی روی آوردن به مصرف مواد است، ازاین‌رو مطالعات بعدی می‌توانند این مسئله را در کنار رشد پس از سانحه موردتوجه قرار دهند.

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که راهبردهای تنظیم شناختی هیجان سازگار میانجی رابطه بین سیستم فعال‌ساز رفتاری و رشد پس از سانحه مردان خیانت دیده است. به‌عبارت‌دیگر، مردانی که سیستم فعال‌ساز رفتاری قوی‌تری دارند به‌واسطه استفاده بیشتر از راهبردهای تنظیم شناختی هیجان سازگار و در عوض استفاده کمتر از راهبردهای تنظیم

رفتاری و شاخص کلی رشد پس از سانحه وجود ندارد. باوجوداین، نتایج نشان داد سیستم بازدارنده رفتاری با دو مؤلفه رشد پس از سانحه یعنی قدرت فردی و تغییرات معنوی رابطه معکوس دارد. Seligma و Reapke (۱۴) در مطالعه آنالین خود با بررسی ۲۷۶ بزرگسال آمریکایی و هندی دریافتند که بین سیستم فعال‌ساز رفتاری (جهت‌گیری گرایشی) و رشد پس از سانحه بعد از سختی‌ها رابطه وجود دارد؛ اما در پژوهش اخیر صرفاً به سیستم فعال‌ساز رفتاری توجه شده است. همچنین دو مطالعه به لحاظ جامعه آماری متفاوت بودند. یافته‌های این پژوهش همسو با یافته‌های قبلی (۲۲، ۲۳، ۲۴) نشان داد بین سیستم‌های بازدارنده رفتاری و فعال‌ساز رفتاری با تنظیم هیجان رابطه وجود دارد. منصوری و همکاران (۲۲) نشان دادند که بین سیستم بازدارنده رفتاری، سیستم فعال‌ساز رفتاری و مؤلفه‌های آن، یعنی پاسخ به سائق و پاداش با دشواری در تنظیم هیجان دانشجویان ($n=210$) رابطه وجود دارد. یارمحمدی واصل و همکاران (۲۳) با بررسی ۲۴۹ نفر از مصرف‌کنندگان مواد محرک تحت سم‌زدایی دریافتند که بین سیستم فعال‌ساز رفتاری با راهبردهای تنظیم شناختی سازگار و ناسازگار رابطه وجود دارد؛ اما رابطه‌ای بین سیستم بازدارنده رفتاری با راهبردهای تنظیم شناختی سازگار و ناسازگار مشاهده نکردند. Li و همکاران (۲۴) نشان دادند که بین سیستم‌های بازدارنده و فعال‌ساز رفتاری و مؤلفه‌های آن با راهبردهای تنظیم شناختی هیجان نوجوانان چینی ($n=330$) رابطه وجود دارد. باوجوداین، پژوهش‌های فوق به لحاظ جامعه موردبررسی و شدت آسیب تجربه‌شده باهم متفاوت هستند.

نتایج پژوهش حاضر همسو با یافته‌های قبلی (۲۵، ۲۶، ۳۱) نشان داد که بین راهبردهای تنظیم هیجان با رشد پس از سانحه رابطه وجود دارد. افلاک سیر و منافی (۲۵) با بررسی گروهی از افراد مبتلا به مالتیپل اسکلروزیس ($n=92$) دریافتند که بین راهبردهای تنظیم شناختی هیجان سازگار یعنی پذیرش، برنامه‌ریزی، ارزیابی مجدد مثبت و تمرکز مجدد مثبت با رشد پس از سانحه رابطه وجود دارد. بعلاوه، از بین این راهبردها ارزیابی مجدد مثبت و تمرکز مجدد مثبت پیش‌بینی کننده رشد پس از سانحه هستند. Larsen و Bernbaum (۲۶) با بررسی ۱۰۷ زن بزرگسال دارای تجربه‌های بسیار استرس‌زا یا

دارند (۳۳). با توجه به آنچه ذکر شد به نظر می‌رسد افرادی که سیستم فعال‌ساز قوی‌تری دارند پس از مواجهه با یک تجربه یا رویداد تهدیدکننده یا آسیب‌زا به مقابله یا مبارزه سازگار با آن می‌پردازند، توانایی بهتری در مدیریت یا تنظیم هیجان‌ها یا احساسات دارند، کنترلشان بر هیجان‌ها را حفظ می‌کنند و تحت تأثیر آن‌ها قرار نمی‌گیرند. در نتیجه رشد پس از سانحه بیشتری را تجربه می‌کنند. چنین افرادی عمدتاً از راهبردهای تنظیم شناختی هیجانی سازگار و مؤثر مانند پذیرش، تمرکز مجدد مثبت، برنامه‌ریزی، ارزیابی مجدد مثبت و کم‌اهمیت شماری استفاده می‌کنند.

تقدیر و تشکر

مقاله حاضر برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد خانم مریم فراهینی است که بدون حمایت مالی نهاد خاصی و یا تعارض منافع نویسندگان انجام شده است. بدین‌وسیله از همکاری کلیه شرکت‌کنندگان در این پژوهش و همچنین بهزیستی شهر نیشابور تقدیر و تشکر می‌گردد.

هیجان‌نا سازگار، رشد پس از سانحه بیشتری را بعد از یک رویداد آسیب‌زا تجربه می‌کنند. در تبیین نتایج فوق می‌توان به دیدگاه Tedeschi و Calhoun (۱۱، ۲۷)، نظریه حساسیت تقویت Gray (۱۵) و مدل تنظیم شناختی هیجان Garnefski و همکاران (۱۹) اشاره کرد. همان‌طور که پیش‌ازین ذکر شد، رشد پس از سانحه به تغییرات روان‌شناختی مثبتی اشاره دارد که در نتیجه مبارزه با شرایط بسیار چالش‌زا یا بحران‌های عمده زندگی تجربه می‌شود (۱۰، ۱۱). از سوی دیگر، افرادی که سیستم فعال‌ساز قوی‌تری دارند به نشانه‌های پاداش و عدم تنبیه حساس هستند (۱۵) و عواطف یا هیجان‌های مثبت بیشتری (۱۲) را تجربه می‌کنند. هیجان‌ها در عین حال که می‌توانند به افراد در جهت پاسخ قوی و مؤثر به فرصت‌ها و مشکلات کمک کنند، اما در مواقعی منجر به تفکر و رفتار به روش‌های کاملاً مخرب می‌شوند. از این‌رو، افزایش هیجان‌های مفید و مدیریت هیجان‌های آسیب‌زا یکی از نگرانی‌های عمده در زمینه تنظیم هیجان است (۳۲). زیرا که تنظیم هیجانی مؤثر سلامت روان‌شناختی را افزایش می‌دهد و با پیامدهای روان‌شناختی مثبت متعدد از جمله کارکرد بین فردی بهتر، بهزیستی ادراک‌شده بیشتر و سلامت جسمی بهتر رابطه

References

- Schmidt AE, Green MS, Prouty AM. Effects of parental infidelity and inter-parental conflict on relational ethics between adult children and parents: A contextual perspective. *J Fam Ther.* 2015; 38(3):386-408.
- Moller NP, Vossler A. Defining infidelity in research and couple counseling: A qualitative study. *J Sex Marital Ther.* 2014; 41(5):487-97.
- Russell VM, Baker LR, McNulty JK. Attachment insecurity and infidelity in marriage: Do studies of dating relationships really inform us about marriage? *J Fam Psychol.* 2013; 27(2):242-51.
- Cano A, O'Leary K. Infidelity and separations precipitate major depressive episodes and symptoms of nonspecific depression and anxiety. *J Consult Clin Psychol.* 2000; 68(5):774-81.
- Heintzelman A, Murdock NL, Krycak RC, Seay L. Recovery from infidelity: Differentiation of self, trauma, forgiveness, and posttraumatic growth among couples in continuing relationships. *CFP.* 2014; 3(1):13-29.
- Shackelford TK, LeBlanc GJ, Drass E. Emotional reactions to infidelity. *Cogn Emot.* 2000; 14(5):643-59.
- Bird MH, Butler MH, Fife ST. The process of couple healing following infidelity. *Journal of Couple & Relationship Therapy: Innovations in Clinical and Educational Intervention.* 2007; 6(4):1-25.
- Olson MM, Russell CS, Higgins-Kessler M, Miller RB. Emotional processes following disclosure of an extramarital affair. *J Marital Fam Ther.* 2002; 28(4):423-34.
- Betzig L. Causes of conjugal dissolution: A cross-cultural study. *Curr Anthropol.* 1989; 30(1):654-76.
- Calhoun LG, Tedeschi RG, Cann A, Hanks EA. Positive outcomes following bereavement: Paths to posttraumatic growth. *Psychologica Belgica.* 2010; 50(1&2):125-43.
- Tedeschi RG, Calhoun LG. Posttraumatic growth: Conceptual foundations and empirical evidence. *Psychol Inq.* 2004; 15(1):1-18.
- Carver CS. Negative affects deriving from the behavioral approach system. *Emotion.* 2004; 4(1):3-22.

13. Smidt S. How does a woman's attachment style influence posttraumatic growth following betrayal? A Literature Review. [MSc Thesis]. USA, Faculty of the Adler Graduate School; 2013.
14. Reapke AM, Seligman MEP. Doors opening: A mechanism for growth after adversity. *J Posit Psychol*. 2015; 10(2):107-15.
15. Gray JA, McNaughton N. The neuropsychology of anxiety. London: Oxford University Press; 2000.
16. Amodio DM, Master SL, Yee CM, Taylor SE. Neurocognitive components of the behavioral inhibition and activation systems: implications for theories of self-regulation. *Psychophysiology*. 2007; 45(1):11-19.
17. Gudiño OG. Behavioral Inhibition and Risk for Posttraumatic Stress Symptoms in Latino Children Exposed to Violence. *J Abnorm Child Psychol*. 2013; 41(6):983-92.
18. Thompson RA. Emotional regulation and emotional development. *Educ Psychol Rev*. 1991; 3(4):269-307.
19. Garnefski N, Kraaij V, Spinhoven P. Negative life events, cognitive emotion regulation and emotional problems. *Pers Individ Dif*. 2001; 30(8):1311-27.
20. Garnefski N, Kraaij V. Cognitive emotion regulation questionnaire- development of a short 18-item version (CERQ-short). *Pers Individ Dif*. 2006; 41(6):1045-53.
21. Garnefski N, Kraaij V. Specificity of relations between adolescents' cognitive emotion regulation strategies and symptoms of depression and anxiety. *Cogn Emot*. 2016; 20:1-8.
22. Mansouri A, Nejat H, Mansouri N. The mediating role of emotion regulation difficulties in the relationship between the brain behavioral systems and the severity of insomnia. *J Res Behav Sci*. 2017; 15(4):501-07. [In Persian].
23. Yarmohammadi Vassel M, Alipour F, Bastami M, Zolfagarinia M, Bazazzade N. The mediating role of cognitive emotion regulation in the relationship between brain-behavioral systems and impulsivity with craving in stimulant addiction. *Neuropsychology*. 2015; 1(1):51-67. [In Persian].
24. Li Y, Xu Y, Chen Z. Effects of the behavioral inhibition system (BIS), behavioral activation system (BAS), and emotion regulation on depression: A one-year follow-up study in Chinese adolescents. *Psychiatry Res*. 2015; 230(2):287-93.
25. Aflakseir A, Manafi F. Posttraumatic growth and its relationships with cognitive emotion regulation strategies in multiple sclerosis patients in Shiraz. *Practice in Clinical Psychology*. 2018; 6(1):57-62. [In Persian].
26. Larsen SE, Bernbaum H. Are specific emotion regulation strategies differentially associated with posttraumatic growth versus stress. *J Aggress Maltreat Trauma*. 2015; 24(7):794-808.
27. Tedeschi RG, Calhoun LG. The Posttraumatic Growth Inventory: measuring the positive legacy of trauma. *J Trauma Stress*. 1996; 9(3):455-71.
28. Mahmoudi SJ, Rahimi Ch, Mohamadi Jaber N. Psychometric properties of posttraumatic growth inventory in an Iranian sample. *Journal of Psychological Models and Methods*. 2013; 3(12):93-108. [In Persian].
29. Mansouri A, Khodayarifard M, Besharat MA, Gholamali Lavasani M. Spiritual coping and cognitive emotion regulation strategies as moderating and mediating factors in the relationship between transdiagnostic factors and symptoms of general anxiety disorder: Developing a conceptual model. *J Res Behav Sci*. 2018; 6(1):130-42. [In Persian].
30. Carver CS, White TL. Behavioral inhibition, behavioral activation, and affective responses to impending reward and punishment: The BIS/BAS scales. *J Pers Soc Psychol* 1994; 67(2):319-33.
31. Hussain D, Bhushan B. Posttraumatic stress and growth among Tibetan refugees: The mediating role of cognitive-emotional regulation strategies. *J Clin Psychol*. 2011; 67(7):720-35.
32. Gross JJ. Emotion regulation: Taking stock and moving forward. *Emotion*. 2013; 13(3):359-65.
33. Kneeland ET, Dovidio JF, Joormann J, Clark MS. Emotion malleability beliefs, emotion regulation, and psychopathology: Integrating affective and clinical science. *Clin Psychol Rev* 2016; 45:81-8.

پیوست ۱-

جدول ۲: شاخص‌های توصیفی (میانگین و انحراف معیار) و ضرایب همبستگی پیرسون مربوط به متغیرهای پژوهش

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹
۱ سیستم بازاریابی رفتاری	-																		
۲ سیستم فعال ساز رفتاری	۰/۱۸۹	-																	
۳ خود سرزنش گری	۰/۰۹۳	۰/۱۸۲	-																
۴ نشخوار فکری	۰/۱۹۴	۰/۱۰۶	۰/۱۲۹	-															
۵ فاجعه نمایی	۰/۳۰۸**	۰/۱۱۳	۰/۰۴۲	۰/۱۹۳	-														
۶ دیگر سرزنش گری	۰/۰۸۷	۰/۲۲۳**	۰/۰۷۶	۰/۰۵	۰/۲۳۱*	-													
۷ راهبردهای ناسازگار تنظیم	۰/۳۰۳**	۰/۳۴۱**	۰/۴۱۶*	۰/۴۷۷**	۰/۶۹۳*	۰/۶۱**	-												
۸ پذیرش	۰/۰۲۹	۰/۲۸۹**	۰/۰۲	۰/۰۳۴	۰/۰۸۶	۰/۰۴۷	۰/۰۵۵	-											
۹ تمرکز مجدد مثبت	۰/۲۵۲*	۰/۳۰**	۰/۰۷۷	۰/۰۰۵	۰/۰۰۸	۰/۱۵۱	۰/۰۵۵	۰/۳۲۱**	-										
۱۰ برنامه‌ریزی	۰/۰۹۱	۰/۴۴۹**	۰/۰۸۵	۰/۰۶۴	۰/۰۹۶	۰/۱۱۶	۰/۰۰۵	۰/۳۲۱**	۰/۵۱۵**	-									
۱۱ ارزیابی مجدد مثبت	۰/۰۹۲	۰/۲۸۶**	۰/۲۲۳*	۰/۰۸۲	۰/۰۸۴	۰/۱۴۹	۰/۰۰۵	۰/۴۴۴**	۰/۵۱۵**	۰/۴۴۴**	-								
۱۲ کم‌اهمیت شماری	۰/۱۱۶	۰/۲۴۵*	۰/۰۵۱	۰/۰۲۱	۰/۱۱۴	۰/۱۵۲	۰/۰۵۶	۰/۴۳۳**	۰/۳۹۸**	۰/۱۸۹	۰/۴۱۷**	-							
۱۳ راهبردهای سازگار تنظیم	۰/۱۲۱	۰/۴۳۷**	۰/۰۴۹	۰/۰۱	۰/۰۲۶	۰/۱۹۶	۰/۰۹۷	۰/۶۹۵**	۰/۷۶۱**	۰/۶۲۸**	۰/۷۴۳**	۰/۷۰۱**	-						
۱۴ رابطه با دیگران	۰/۰۱۴	۰/۳۶۸**	۰/۰۶۳	۰/۰۵۴	۰/۰۴۴	۰/۰۸۱	۰/۱۷۴	۰/۳۲۷**	۰/۴۵۳**	۰/۵۷۹**	۰/۴۴۴**	۰/۳۰۶**	۰/۲۵*	-					
۱۵ امکانات جدید	۰/۰۹۴	۰/۴۹۶**	۰/۰۰۹	۰/۱۱۸	۰/۰۲۱	۰/۰۶۸	۰/۰۱۲	۰/۳۲۷**	۰/۴۵۳**	۰/۵۷۹**	۰/۴۴۴**	۰/۳۰۶**	۰/۲۵*	۰/۵۸۷**	-				
۱۶ قدرت فردی	۰/۳۶۵**	۰/۲۲۳*	۰/۱۲۵	۰/۲۴۵*	۰/۰۲۹	۰/۰۲۵	۰/۲۵۲*	۰/۲۱۹*	۰/۲۸۵**	۰/۳۷۶**	۰/۴۵۶**	۰/۲۴۲*	۰/۴۶۶**	۰/۵۵۵**	۰/۶۶۱**	-			
۱۷ تغییرات ممنوی	۰/۲۰۵*	۰/۰۵۶	۰/۰۸۴	۰/۱۸۱	۰/۱۷۳	۰/۰۱	۰/۱۸۷	۰/۱۱۵	۰/۲۳*	۰/۱۶۷	۰/۱۹۹*	۰/۲۳۸**	۰/۲۹۳**	۰/۴۰۵**	۰/۳۹۷**	۰/۵۱**	-		
۱۸ ارزش زندگی	۰/۱۰۴	۰/۲۲۳**	۰/۰۰۴	۰/۰۲۸	۰/۰۷۴	۰/۰۹۱	۰/۰۷۷	۰/۲۷۹**	۰/۲۸۶**	۰/۴۸۷**	۰/۳۸**	۰/۲۶۶**	۰/۴۷**	۰/۵۴۹**	۰/۶۸۹**	۰/۵۰**	۰/۳۹۷**	-	
۱۹ نمره کل رشد پس از سانحه	۰/۱۶	۰/۴۱**	۰/۰۶۱	۰/۱۷۹	۰/۰۷۷	۰/۱۲۱	۰/۰۵۹	۰/۲۷*	۰/۴۳۸**	۰/۴۷۵**	۰/۴۴۴**	۰/۳۳۵**	۰/۸۶۳**	۰/۱۸۷**	۰/۸۱**	۰/۶۳**	۰/۷۰۵**	-	
میانگین	۲۰/۷۳	۴۰/۷۱	۴/۳۰	۷/۰۶	۶/۸۲	۵/۱۳	۲۳/۳۱	۶/۴۵	۶/۴۵	۶/۰۶	۸/۱۹	۸/۰۶	۶/۱۳	۲۳/۱۶	۱۷/۵۳	۱۴/۰۱	۶/۸۶	۱۱/۰۴	۶۹/۱۶
انحراف معیار	۲/۳۴	۵/۰۴	۲/۰۳	۱/۸۸	۲/۵۰	۲/۸۵	۵/۲۲	۲/۳۵	۲/۴۲	۱/۹۹	۱/۹۷	۲/۳۶	۷/۸۹	۶/۱۸	۴/۵۶	۲/۲۳	۲/۲۲	۲/۳۱	۱۴/۷۹

**P<۰/۰۱,*P<۰/۰۵

The Mediating role of Cognitive Emotion Regulation in the Relationship between Brain Behavioral Systems and Posttraumatic Growth in Betrayed Men

Maryam Farahini¹, Ahmad Mansouri² 

Original Article

Abstract

Aim and Background: Traumatic events have several negative consequences, but in a number of cases, positive psychological changes occur following these events. However, little is known about how this positive psychological changes. Therefore, the aim of present study was to investigate the mediating role of cognitive emotion regulation in the relationship between brain behavioral systems and posttraumatic growth in betrayed men.

Methods and Materials: In a descriptive-correlational study, 100 betrayed men in the city of Neyshabur were in 2017-2018 years selected by available sampling method. The participants completed Inhibition System/Behavioral Activation System (BIS/BAS) scales, Cognitive Emotion Regulation Questionnaire (CERQ) and Posttraumatic Growth Inventory (PTGI). Data were analyzed by Pearson correlation and regression analysis.

Findings: The result showed that behavioral activation system predicted cognitive emotion regulation, which, in turn, predicted more posttraumatic growth in betrayed men ($p < 0.05$). Also, adaptive cognitive emotion regulations mediated the relationship between behavioral activation system and posttraumatic growth in betrayed men.

Conclusions: The results of this study emphasize the importance of behavioral activation system and cognitive emotion regulation in posttraumatic growth.

Keywords: Behavioral activation and inhibition systems, Emotion regulation, Infidelity, Posttraumatic growth

Citation: Farahini M, Mansouri A. **The Mediating role of Cognitive Emotion Regulation in the Relationship between Brain Behavioral Systems and Posttraumatic Growth in Betrayed Men.** J Res Behav Sci 2018; 16(3): 408-418.

Received: 2018.08.07

Accepted: 2018.12.29

1- MSc Student, Department of Psychology, Neyshabur Branch, Islamic Azad University, Neyshabur, Iran.

2- Assistant Professor, Department of Psychology, Neyshabur Branch, Islamic Azad University, Neyshabur, Iran.

Corresponding author: Ahmad Mansouri Email: mansoury_am@yahoo.com